

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده علوم و فنون قرآن تهران

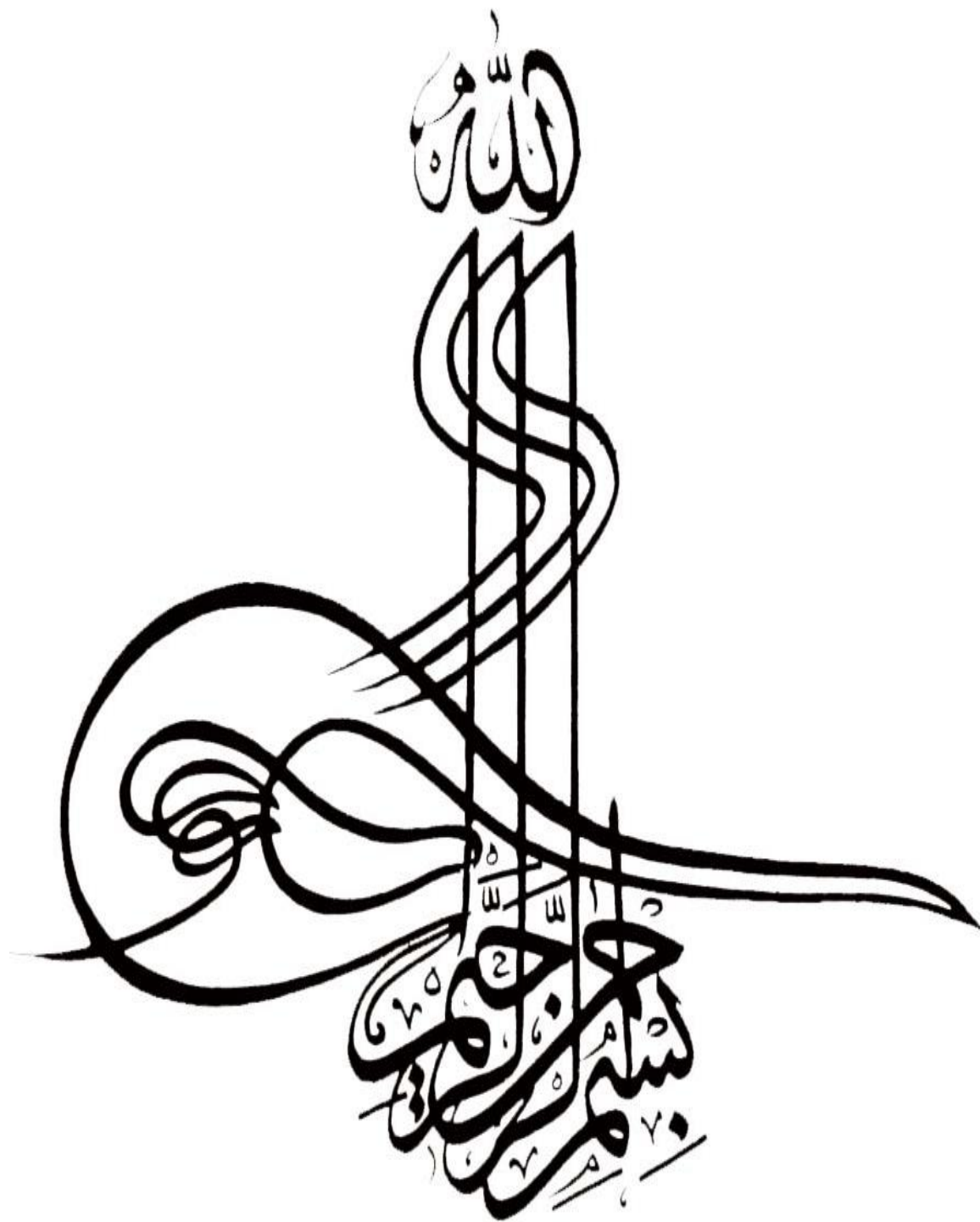
عنوان : وظایف سازمان آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی اسلامی

رشته : علوم قرآن و حدیث - گرایش علوم قرآنی

استاد راهنما : دکتر علی غضنفری

نگارنده : محمد مهدی خیبر

بهار-۹۲



چکیده : سبک زندگی مجموعه ای از کنش ها و واکنش هایی است که انسان در زندگی دارد ، اگر این اعمال و

رفتار، هماهنگ با فطرت و مطابق با دستورات اسلام عزیز باشد، زمینه ساز میل انسان به سعادت ابدی و جاوید بوده و مسیر زندگی به سلامت طی خواهد شد. قطعاً بین نهادهای فرهنگی کشور عنوانی به بزرگی، عظمت و قداست آموزش و پرورش نیست؛ وظیفه این سازمان به عنوان پرچمدار تحقق سبک زندگی اسلامی بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که چگونگی تمدن و فرهنگ هر ملت را از چگونگی توجه آن به آموزش و پرورش می توان دریافت. این نهاد فرهنگی زمانی می تواند به نحو شایسته در تحقق سبک زندگی اسلامی ایفای نقش کند، که نسبت به وظایف خود واقف گردد. نوشته حاضر به بررسی نقش و وظایف سازمان آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی اسلامی می پردازد:

کلید واژه: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، آموزش و پرورش

مقدمه:

بی‌شک مدرسه زیباترین تجلی‌گاه نظام تعلیم و تربیت است و اگر بخواهیم به سبک زیبایی از زندگی دست یابیم باید در این نهاد پایه‌هایش ریخته شود؛ بنابراین کودکان و نوجوانان امروز که سازندگان جامعه فردا هستند، چگونگی پرورش آنان نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت آنان و در نهایت، در رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایفا خواهد کرد. وظیفه آموزش و پرورش است که دانش‌آموزان را هم فردی شایسته بار آورد تا برای خود دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا فردی مفید برای دیگران باشد. بسیاری از مشکلاتی که در کشورهای مختلف جهان با آنها درگیرند، متأثر از نتایج نظام‌های تربیتی رسمی و غیر رسمی است. بر سازمان آموزش و پرورش لازم است نقش اساسی را در تربیت اخلاقی، مدنی و معنوی برعهده بگیرد و تلاش‌های سایر نهاد‌های فرهنگی را تکمیل کند.

تعریف سبک زندگی :

"سبک زندگی" مجموعه‌ای از نگرش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها، باورها، اعتقادات، اعمال و سلايق فرد یا گروه است. "فرهنگ" و "روش زندگی" در مقایسه با "سبک زندگی" مفاهیم عام‌تری تلقی می‌شوند. در مطالعات اولیه در حوزه سبک زندگی، بر رفتارها و فعالیت‌های عینی تأکید می‌شد؛ اما به تدریج، ارزش‌ها و نگرش‌ها نیز به عنوان عناصر مهم در تعاریف سبک زندگی نمایان شد. از این رو، برای سبک زندگی مؤلفه‌های متعددی از جمله مؤلفه اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاقی، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم و ... بر شمرده اند که هم جنبه‌های عینی و هم جنبه‌های ذهنی را در بر می‌گیرند. بدین ترتیب، بروز سبک زندگی را متأثر از

مجموعه عوامل درونی (انگیزه، شخصیت، احساسات، نگرش و باور) و عوامل مؤثر بیرونی (فرهنگ، خرده فرهنگ، موقعیت اجتماعی، خانواده، سازمان های فرهنگی، فعالیت های اقتصادی) می دانند. (عظیمی فرد، فاطمه، خانواده و سبک زندگی اسلامی، ماهنامه پیوند، شماره ۴۰۱، ص ۲۰) با این تعریف سبک زندگی شامل تمام مسائلی است که متن زندگی انسان را شکل می دهند.

تعریف سبک زندگی اسلامی :

"سبک زندگی اسلامی" ، سبکی از زندگی است که باورها و ارزش های اسلام بر آن حاکم است. در اسلام، سبک زندگی بر اساس سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی استوار است. تعالیم اسلام، تمام وظایف زندگی را پوشش می دهد و سبک زندگی برگرفته شده از آن ، سبک زندگی مطابق با فطرت انسانی است. سبک زندگی اسلامی شاخص هایی دارد که با آن شناخته می شود. (عظیمی فرد، فاطمه، خانواده و سبک زندگی اسلامی، ماهنامه پیوند، شماره ۴۰۱، ص ۲۰)

نقش آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی اسلامی :

یکی از بزرگترین وزارتخانه های کشور به لحاظ وسعت، فراگیری و جامعه مخاطب، آموزش و پرورش است که با

حدود ۱۲ میلیون دانش آموز که با احتساب والدین آنها نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، می تواند به عنوان اصلی ترین سازمان نهادینه سازی سبک زندگی در بین مخاطبان خود باشد. نهادینه سازی سبک زندگی از دوران کودکی در بین دانش آموزان اثر پذیری بیشتری را به همراه دارد و حتی این موضوع می تواند با رفتن به کتاب های درسی زمینه ساز توجه بیشتر شود که بهترین مأمّن آن مدارس کشور هستند؛ از طرف دیگر وظیفه آموزش و پرورش تنها تربیت آموزشگاهی و یا تدریس یک شخص معین و یا یک درس معین به حساب نمی آید؛ در حقیقت مدارس در جوامع امروز کوشش دارند که خصوصیات اخلاقی با اجرای برنامه های گروهی و طرح مسائل اجتماعی به طور جدی عملی شود. آموزش و پرورش می تواند موجب شکوفایی سایر بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود و این استعداد و توانایی تنها با تقویت آموزش و پرورش ایجاد می شود. افزایش آمار طلاق، تنبلی و دوری از کار و تلاش ضعف های ساختاری هستند که برای برطرف کردن آنها باید به ارزش ها رجوع کرد که آموزش و پرورش در نهادینه کردن این ارزش ها نقش موثری دارد. نقش شگفت انگیز آموزش و پرورش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش های والای انسانی بر هیچکس پوشیده نیست. آموزش و پرورش نه تنها می تواند در رشد اخلاقی، رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشد، بلکه وسیله ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می آید یعنی نقش آموزش و پرورش نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی شود بلکه تمام شؤون اجتماعی او را در بر گرفته و زمینه ساز رشد فکری و اخلاقی انسان های یک جامعه پویا است. اگر ما بخواهیم بمانیم و کرامت داشته باشیم و آلت دست دیگران نشویم، هیچ راهی نداریم جز اینکه نقش آموزش و پرورش را در تحقق سبک زندگی اسلامی

جدی بگیریم.

وظایف آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی اسلامی :

جامعه بدون تربیت فرزندان و آحاد جامعه نمی تواند به اهداف خود آنگونه که لازم و شایسته است دست یابد.

غربی ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم ، فرهنگ خود را چنان بزرگ می کنند که نسل جدید احساس

کند دیگر نمی تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ غربی مانند نوع پوشش،

سبک معماری، نوع غذا، شیوه های معاشرت و حتی ایده آل ها و آرمان های زندگی و به طور کلی شیوه زندگی

خود را در زیباترین قالب های ممکن تبلیغی عرضه می کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت ها، اندیشه آنها را دنباله

رو خود سازد. در اینجاست که ذکاوت و زیرکی مسئولین آموزش و پرورش - به عنوان مهمترین نهاد تحقق سبک

زندگی اسلامی - است تا وارد صحنه شوند و با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت

و پیشه کردن بردباری و صبر ، سبک زندگی اسلامی را تعالی بخشند و در این رقابت جدی و سخت، انجام

وظیفه نمایند .

از آنجا که بالاترین وظیفه در سازمان آموزش و پرورش تربیت انسان هایی با معیارهای معرفی شده از سوی قرآن

و اهل بیت(ع) است ، آموزش و پرورش می تواند با آشنایی و تربیت دانش آموزان با این آموزه ها ، بهترین سبک

زندگی را در بین فراگیران نهادینه کند .

از یک دیدگاه می توان وظایف عمده و اساسی آموزش و پرورش را بصورت زیر برشمرد :

۱- ایجاد یا آموختن آنچه شخص نمی داند یا ندارد.

۲- تکمیل آنچه شخص ، ناقص می داند.

۳- اصلاح یا برطرف ساختن معایبی که شخص در فکر ،معلومات یا مهارت ها دارد .(شعاری نژاد،علی اکبر،نقش

آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی،ص۵) کاملا واضح است که این دیدگاه قابل استفاده نیست فلذا با شرح

وظایف این سازمان بصورت کاربردی تر ، می توان در مدت کوتاه تری، موفقیت بیشتری در این مسیر بدست

آورد .

از دید گاه دیگر وظایف آموزش و پرورش را می توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد : الف.بخش برنامه ریزی

ب. بخش اجرایی

الف. بخش برنامه ریزی : برای این بخش می توان دو نوع برنامه ریزی در نظر گرفت : ۱-برنامه کوتاه مدت

۲- برنامه بلندمدت ؛(می توان در این بخش برنامه های میان مدتی را نیز جهت ارزشیابی روند کار پیش بینی

کرد .)

برای اینکه سبک زندگی دینی در بین دانش آموزان رواج پیدا کند ،قدم اول این است که برنامه ریزان آموزش و

پرورش ،سبک زندگی مورد نظر دین را که توسط علمای دین از متون اصیل دینی استخراج شده اند ،در مراحل

مختلف برنامه ریزی خود، اعم از کوتاه مدت تا بلند مدت دخیل کنند. در برنامه ریزی کوتاه مدت، ضرورت و امکان حل مهم ترین مسائل حائز اهمیت است؛ بنابراین باید اهم مسایل گزینش شود و حداکثر در مدت ۲ یا ۳ سال نتیجه ای ارایه شود.

برنامه ریزی بلند مدت، در حقیقت نظریه پردازی در باب واقعیات جامعه است که کار برنامه ریزان آگاه به ارزش های اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت است؛ یعنی هم در حوزه جامعه شناسی و هم در توصیف وضع موجود نسبت به ارزش های اسلامی خبره باشند. برای نظریه پردازی در باره واقعیات جامعه باید به درستی از وضعیت عینی و نقاط ضعف و قوت جامعه آگاهی داشته باشیم؛ چراکه در غیر این صورت نظریه پردازی ما ذهنی خواهد بود.

آموزش و پرورش در عین حال که تغییر دهنده است و جز آن هدفی ندارد، خودش نیز پیوسته در حال تغییر و تحوّل باشد و هر گونه تغییر در نظام و روش و محتوا بر اساس نیاز های روز جامعه باشد. مسائل تربیتی امروز و فردای جامعه را، بدون هر گونه اغماض و تسامح جستجو کنیم و با اولویت بندی برای حل آنها برنامه ریزی شود؛ به عبارتی آموخته ها با کاربرد ها مطابقت داشته باشند. آلویین تافلر در تشریح شکاف بین آموخته ها و کاربرد ها به این اشاره می کند که مسئله بیکاری امروز با بیکاری دوران صنعتی فرق دارد. امروز اگر ده میلیون جای خالی و تنها یک میلیون بیکار باشد، نمی توانند جای خالی موجود را اشغال کنند مگر آنکه مهارت و دانایی لازم برای آن کارها را داشته باشد. (تافلر، آلویین، جابجایی در قدرت، ص ۱۳۰-۱۲۹) بنابراین آماده کردن افراد برای

دوران آینده و زندگی نو و تربیت مغزهای نوآور و افراد روشنفکر از وظایف دیگر آموزش و پرورش است که متأسفانه در این زمینه کم کاری شده است. گزارشی که می آید، شاهد این مدعا است: " برنامه ریزی هایی که تاکنون به نام توسعه کارشناسان داخلی و خارجی در طی دهه های اخیر طراحی و در کشورهای معروف به توسعه نیافته پیاده شده عمدتاً کانون توجه خود را رشد اقتصادی و توسعه داده و عوامل اجتماعی و فرهنگی رشد را تا حد زیادی مورد بی توجهی و غفلت قرار داده اند. (توسلی ع.غ. جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ. فرهنگ توسعه. مسلسل ۳. شماره ۱۵. آذر و دی ۱۳۷۳. ص ۲۴-۲۳) فرهنگ هر ملت حکم رودخانه را دارد و نمی توان آنرا ثابت و تغییرناپذیر تصور کرد، لذا ضرورت دارد همه مسؤلان آموزش و پرورش به این دو پرسش اساسی پاسخ دهند که: ۱- آینده چه نوع انسان هایی می خواهند؟ و این انسان، خود چه می خواهد؟) شعاری نژاد، علی اکبر، نقش آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی، ص ۹۷) مطلب زیر ضرورت این آینده نگری را بیشتر تبیین می کند: "بشر دو دوران مشخص را در نگرش علمی و آموزش پشت سر گذاشته است: دوران اول آموزش از طریق استاد و شاگردی، بر طبق نظریات و روش های مستقیم استاد انجام می شد. دوران بعدی، دورانی است که آموزش کارخانه ای را مرسوم ساخت. یک کلیشه و قالب استاندارد در مورد مجموعه وسیعی از فراگیران اعمال می شد. دوران سوم که در حال ورود به آن هستیم، دوران شگفت آوری (از نظر نظام پیچیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) خواهد بود... و راه برخورد با یک پدیده شگفت آور اتخاذ راهکارهای کارآمد است. (مجیدی، اردوان، نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده، ص ۳۷-۳۶)

در این راستا نکاتی که برنامه ریزان - اعم از برنامه ریزی کلان و خرد - نباید از آن غفلت کنند، عبارتند از :

۱- در دسته‌بندی مخاطبان باید ویژگی‌های جغرافیای و اقلیمی زندگی در مناطق مختلف در نظر گرفته شود و بر اساس آن، الگوهای سبک زندگی اسلامی به دانش آموزان عرضه شود؛ به سخن دیگر جهانی اندیشیدن و منطقه ای عمل کردن است .

۲- شرح وظایف متولیان بخش های مختلف آموزش و پرورش همچون برنامه ریزان آموزش و پرورش ، مؤلفان کتب درسی ،مدیران،معاونان،معلمان،مربیان پرورشی و... باید به گونه ای باشد که سهم هر بخش به طور دقیق شناسایی گردد .

۳- برای ارتباط با نهادهای موازی با آموزش و پرورش همچون دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و دیگر نهادها همچون وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه هنری، نویسندگان، رسانه‌ها، فیلمسازان برنامه ریزی کرد تا بتوان بر اساس آن برای ایجاد سبک زندگی اسلامی حرکتی منسجم و هماهنگ داشت .

۴- آموزش و پرورش در برنامه ریزی ها به مربع تربیتی (معلم، محصل، خانواده و موقعیت آموزشی) بصورت یک سیستم تعاملی توجه کند . آموزش و پرورش اگر می خواهد دانش آموزان را شهروندان مؤثر بار آورد ، باید :

الف. معلم، محصل، خانواده و موقعیت آموزشی و یادگیری را با هم و همزمان در نظر بگیرند .

ب. همگام با دانش آموزان ، خانواده ها را تربیت کنند و والدین را به هماهنگی با نیاز های تربیتی زمان و

همکاری مداوم و صمیمانه با مدارس بر انگیزند .

ج. از تقویت علمی و حرفه ای معلمان به شکل های مقتضی غفلت نکنند که معلّم عقب مانده از زمان نمی تواند دانش آموز مناسب زمان تربیت کند .

د. فناوری آموزشی معاصر را ارزشمند و جدّی گرفته شود، چرا که آموزش و یادگیری ذاتا پر هزینه است .

۵- باید آموزش و پرورش و آموزش عالی در کنار هم برای نسلی که در سال های آینده در مهدکودک ها، سپس دبستان ها و بعد از آن در مدارس، دبیرستان ها و دانشگاه ها حضور خواهند یافت برنامه ریزی های چند ساله در راستای تغییر در سبک زندگی طراحی نمایند و با جدیت در این راه گام بردارند.

۶- باید پس از شناسایی آسیب ها ، موانع و نیازها ، بدنبال هدف گذاری ایده آل برای تحقق سبک زندگی اسلامی بود که در این رابطه لازم است با ایجاد کمیته های تخصصی و کارگروه ها و اتاق فکرهای کاربردی، در قالب یک عزم ملی حرکت شود .

۷- عنایت به لوازم ایجاد سبک زندگی (الزامات فرهنگی و محتوایی و الزامات اجرایی و عملیاتی) در برنامه ریزی

۸- اختصاص اعتبارات لازم برای تحقق این امر

۹- بررسی روش های نهادینه کردن شاخص های سبک زندگی اسلامی در مدارس

۱۰- سازماندهی مشاوران مذهبی در مقاطع مختلف تحصیلی

۱۱- بررسی علل اهمال در پیروی از سبک زندگی اسلامی در بین دانش آموزان

۱۱- برنامه زمان بندی شده ای برای اجرای برنامه ریزی طراحی شود .

ب. بخش اجرایی : این بخش شامل تمام عوامل اجرایی است که به نوعی با دانش آموزان در ارتباطند. تحقق

سبک زندگی اسلامی در قلمرو آموزش و پرورش، از یک طرف با استفاده از کتابهای درسی بر مفاهیم اساسی

اسلام تاکید می گردد، از طرف دیگر دانش آموزان از طریق برخوردهای اجتماعی با همسالان، معلمان، مربیان،

ناظم و مدیر مدرسه، چگونگی روابط اجتماعی را فرا می گیرند؛ فلذا در صورت انطباق محتوای کتابهای درسی با

الگوی زندگی اسلامی و در صورت هماهنگی و همسو بودن روابط متقابل اجتماعی یا مفاهیم طرح شده در

کتابها، می توان ادعا کرد که مدارس برای تحقق این هدف نزدیک تر خواهند شد . باید متون برای دانش آموزان

قابل استفاده و کاربردی شود. اگر بخواهیم سبک زندگی دینی ترویج پیدا کند، کادر اداری و آموزشی مدرسه و

در واقع چهره‌هایی که برای دانش آموزان الگو هستند ، سبک زندگی دینی را باور کنند و در زندگی خودشان

پیاده کنند تا بچه ها از آنها الگوبرداری کنند . اگر ما چیزی برای عرضه داشته باشیم ، نسل جوان ما به سراغ

سبک زندگی غیراسلامی نمی رود. به همین دلیل از دیگر وظایف آموزش و پرورش در عرصه جنگ نرم، مواجهه

هوشمندانه و تربیت دانش آموزانی با تفکر خلاق برای مقابله با سبک زندگی غربی است. جامعه برای اینکه بتواند

سبک زندگی دینی را در زندگی عملیاتی کند احتیاج به دو چیز دارد: الگو و متن . نهادهای آموزشی موظف

هستند هم الگوسازی کنند و هم متون کاربردی جهتدر استفاده در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را برای مخاطبین عرضه کنند .متون درسی وقتی تأثیرگذار است که جوان آنچه که در متون درسی می‌بیند در سینما و تلویزیون هم ببیند و با الگوبرداری از گروه‌های مرجع آنچه را در متون درسی‌اش نوشته شده باور می‌کند .

پیشنهاداتی که مسئولان اجرایی می‌توانند در جهت پیشبرد سریعتر اهداف خود از آنها استفاده کنند، عبارتند از :

۱- اجرای سند تحول بنیادین بعنوان راهبردی ترین شیوه تحقق سبک زندگی اسلامی

۲- ارتباط سازمان آموزش و پرورش در تمام رده ها با سایر نهاد های تاثیر گذار بر تحقق سبک زندگی اسلامی مانند صدا و سیما، ارشاد، تبلیغات اسلامی و ...

۳- تألیف کتاب "سبک زندگی اسلامی"

۴- استفاده از ظرفیت علمی و فرهنگی حوزه های علمیه در مدارس با کمک اداره تبلیغات و ستاد اقامه نماز

۵- تربیت نیروی آگاه، کارآمد و متعهد از طریق تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان

۶- برگزاری کارگاه های مستمر برای کادر آموزشی و اداری سازمان به طور جداگانه و تخصصی

۷- تولید بسته های آموزشی در جهت تحقق سبک زندگی اسلامی با همکاری سازمان آموزش و پرورش

۸- برگزاری نمایشگاه باموضوع "سبک زندگی اسلامی"

۹- هر ماده درسی اثر خاصی در دانش آموزان دارد و بنابراین همه درسها ارزشمند بوده و باید تفکر اسلامی در آنها حکمفرما باشد .

۱۰- تلاش در جهت معرفی الگوهای مثبت

۱۱- گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و تحقیق و پژوهش

۱۲- پررونق کردن مسابقات فرهنگی، هنری و دینی و اردوهای فرهنگی

۱۳- تقویت اعتماد به نفس جوانان

۱۴- ترویج فرهنگ آینده نگری

۱۵- ترغیب به کار جمعی و همکاری های گروهی

۱۶- سوق دادن دانش آموزان به سوی فرهیختگی و بستن راه های نفوذ فرهنگ های بیگانه

۱۷- ترغیب و تشویق مدیران اجرایی به استفاده از یافته های پژوهشی

۱۸- تقویت حس همدلی و همبستگی با دانش آموزان و برانگیختن حس رقابت سالم میان آنان

۱۹- هنر نه تنها بعنوان یک درس ، بلکه به عنوان روشی از روشهای آموزش مورد استفاده قرار گیرد .

۲۰- شناساندن سبک زندگی غربی و معایب آن

نتیجه گیری :

فرآیند تحقق سبک زندگی اسلامی در سازمان آموزش و پرورش بنیادی و تعیین کننده است. آموزش و پرورش که چشم انداز فعالیتهای آموزشی و پرورشی را فراتر از چار چوب مدرسه می‌داند، در این طریق هر چه تعلیم می‌دهد، باید ناظر بر این باشد که کودکان و نوجوانان را عمیق تر، متفکر تر و معتقد تر سازد؛ زیرا ما علوم را از آن جهت نمی‌آموزیم که صرفاً گروهی دانشمند و نخبه متخصص داشته باشیم، بلکه فرض بر این است که نسل تربیت شده، موافق با ارزشها و فضایل اخلاقی باشند و طبق احکام الهی بارآیند، به علاوه لازم است همه نظریه‌هایی که در زمینه تحقق سبک زندگی اسلامی ارائه می‌شود، در راستای پژوهش و خلاقیت محوری حرکت کنند؛ زیرا اگر این نظریه‌ها به خوبی تغذیه نشوند، به یک ایدئولوژی و مکتب ضعیف، تحریف شده و آسیب پذیر خواهد رسید که نمی‌تواند جامعه را بسازد و با استکبار و به ویژه استکبار فکری، دست و پنجه نرم کند. لذا آموزش و پرورش که متولی اصلی فرهنگ سازی و آموزش در جامعه است، باید کل برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را در جهت تحقق سبک زندگی با تأکید بر خلاقیت هدایت کند.

در انتها باید گفت که آموزش و پرورش با اینکه پتانسیل بسیار بالایی برای الگو سازی دارد ولی به طور قطع و یقین نمی‌تواند به تنهایی این مطالبه رهبری را اجرایی کند و کمک دیگر دستگاه‌ها را طلب می‌کند؛ زیرا تحقق این امر نیازمند مشارکت عوامل گوناگونی می‌باشد که در بین آنها کنشهای متقابلی صورت می‌گیرد. امید است که سازمان آموزش و پرورش با شناخت نقاط آسیب‌زا و برطرف کردن موانع و آگاهی از وظایف محوله بتواند به سمت جامعه‌ای مهدوی گام بردارد.

منابع :

۱- تافلر، آلوین، جابجایی در قدرت، ترجمه خوارزمی، شهیندخت، تهران، ۱۳۷۰.

۲- توسلی ع.غ. جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ. فرهنگ توسعه. مسلسل ۳. شماره ۱۵. آذر و دی

۱۳۷۳.

۳- شعاری نژاد، علی اکبر، نقش آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۹.

۴- عظیمی فرد، فاطمه، خانواده و سبک زندگی اسلامی، ماهنامه پیوند، شماره ۴۰۱، اسفند ۱۳۹۱.

۵- مجیدی، اردوان، نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده، تهران، ۱۳۸۰.